سید حسین مرعشی:

کسی که نمی‌تواند حمایت رهبری را پشت سر دولت بیاورد کاندیدا نشود

■ سخنگوی حزب کارگزاران سازندگی می گوید: هرکس نمی تواند با رهبری هماهنگ باشد، نمی تواند همانگی قوای سه گانه را رقم بزند و تکنوکرات ها و فن گراهای کشور را گرد هم آورد در انتخابات ریاست جمهوری شرکت نکند.

سرویس سیاسی- در حالی که کمتر از ۹ ماه به برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ باقی مانده و تنور انتخابات هم هنوز داغ نشده؛ سیدحسین مرعشی، تکنوکراتِ خوش برخورد و سخنگوی حزب کارگزارانِ سازندگی از برگزاری نشست‌های اصلاح‌طلبان و معرفی مجموعه انتخاباتی آنها در اواخر آبان ماه خبر می دهد.

هرچند او هم مانند سایر اصلاح طلبان و فعالان سیاسی کشور منتقد عملکرد دولت فعلی است، دولتی که در انتخابات ۹۶ مورد حمایت او و هم حزبی هایش بود، اما مرعشی همچنان بر گذر از راه انتخابات و مشارکت قانونی در عرصه سیاسی کشور تاکید دارد و می گوید که حزب کارگزاران سازندگی برنامه جامعی برای آینده کشور تدوین کرده است، موضوعی که شاید این گمان را به ذهن متبادر کند که کارگزارانی ها بیش از هر زمان دیگر قصد ظهور و بروز و کنش گری در میدان سیاست کشور را دارند.

او از ۶ کاندیدهای حزب کارگزاران برای انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ هم رونمایی می کند؛ غلامحسین کرباسچی، اسحاق جهانگیری، محسن هاشمی، عبدالناصر همتی، مصطفی هاشمی‌طبا و ملک‌زاده. هرچند می گوید هیچ یک از این افراد هنوز این کاندیداتوری را نپذیرفتند.

مرعشی، انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا و ایران را فرصتی برای تغییر در کشور ارزیابی کرده و معتقد است چه بایدن رئیس جمهور آمریکا شود چه ترامپ، سیاست این کشور درخصوص ایران تغییر می کند. هرچند از این سو تاکید می کند رئیس جمهوری باید در ایران سرکار بیاید که بتواند قدرت رهبری را با خود همراه کند؛ مرعشی شفاف تر از هر زمان دیگر می گوید: هرکس نمی تواند با رهبری هماهنگ باشد اصلا کاندید انتخابات ریاست جمهوری نشود.

مشروح گفت‌وگوی سیدحسین مرعشی را در ادامه بخوانید؛

آقای مرعشی! توضیحی درباره شرایط و برنامه اصلاح طلبان برای انتخابات ۱۴۰۰ بفرمایید. آیا قرار است در فاصله باقیمانده به انتخابات تشکیلاتی همچون شورای عالی سیاستگذاری شکل بگیرد و اقدام عملی برای بازسازی جریان اصلاحات درحال انجام هست یا ...؟

شورای عالی سیاستگذاری یا هر نهادی که بخواهد در جبهه اصلاحات هماهنگی ایجاد کند، یک نهاد هماهنگ کننده ائتلافی است یعنی در واقع یک ائتلاف انتخاباتی است. تشکیل یک ائتلاف سراسری از سوی اصلاح طلبان برای انتخابات ۱۴۰۰ هم تاخیری نداشته، یعنی در دوره های قبل هم اینگونه نبوده است که ما ۹ ماه قبل از انتخابات ستادهایمان شکل گرفته باشد.

تشکیلات جدید اصلاحات اواخر آبان معرفی می‌شود

کارهای انتخاباتی اکنون در دو سطح پیگیری می شود؛ یکی در خود احزاب است، یعنی احزاب مختلف درحال انجام بررسی هستند و دیگری در شورای هماهنگی احزاب اصلاح طلب است که این شورا هم فعال است و جلسات کمیته سیاسی آن مرتب تشکیل می شود. مطالعات و گفت و گوها هم برای تشکیل یک نهاد هماهنگ کننده جدید در دست بررسی است و من فکر می کنم اواخر آبان ماه با یک تشکیلات هماهنگی جدید بتوانیم کار را دنبال کنیم.

اما از نظر حزب کارگزاران سازندگی مهمتر از سازمانی که بخواهد این هماهنگی را انجام دهد، ماموریت های رئیس جمهور آینده است؛ چون رئیس جمهور آینده قطعا وظایف سنگینی بر عهده دارد و باید ببینیم که چه ماموریت هایی خواهد داشت. واقعیت این است که امروز مساله اقتصاد (اقتصاد به معنی اداره وضع موجود اقتصادی کشور با در نظر گرفتن اینکه یک جاهایی از کنترل دولت خارج است) همراه با ابَر چالش های دیگر که از قبل داشته ایم مثل مسائل بانکها، تامین اجتماعی، محیط زیست، مساله آب و .. مورد توجه هستند هرچند این روزها مشکلات فعلی کشور آنقدر زیاد شده که این مسائل به حاشیه رفته‌اند.

برنامه حزب کارگزاران برای آینده کشور به زودی منتشر می‌شود

بنابراین باید ببینیم که رئیس جمهور آینده چه کاری می خواهد انجام دهد و چه ماموریتی دارد و این مهمترین سؤال است. ما در حزب کارگزاران برنامه ای تدوین کرده ایم و آن را به زودی منتشر می کنیم؛ در این برنامه، اقتصاد به معنی حل و فصل مشکلات حاد فعلی و هم به معنی توسعه ایران مساله اصلی است و اولویت اصلی دولت و رئیس جمهور آینده است، یعنی رئیس جمهور آینده باید بتواند بر این مسائل فائق آید.

برای اینکه این توسعه اقتصادی محقق شود و مسائل اقتصادی هم حل شوند باید کارآمدی در نظام جمهوری اسلامی افزایش پیدا کند و ناکارآمدی های موجود باید جای خود را به کارآمدی دهند. اما برای ایجاد کارآمدی ۲ الی ۳ مساله مهم باید حل و رفع شود؛ اولین مساله این است که روابط خارجی ایران باید بازتعریف شوند، نمی شود در شرایطی که روابط ایران با جهان برقرار نیست (چه روابط دیپلماتیک و چه روابط اقتصادی، حمل و نقل، بانکها و ...) و تا زمانی که مروادات ما با جهان عادی نیست کار دیگری انجام داد.

اگر «بایدن» رئیس‌جمهور آمریکا شود به برجام بازمی‌گردد

مثلا صادرات نفت باید آغاز شود، بانک ها باید با بانک های جهانی ارتباط برقرار کنند؛ حال در این بخش ۲ اتفاق مهم در راه است که به ایران فرصت می دهد. اتفاق اول مساله انتخابات آمریکا است، در انتخابات آمریکا فعلا فرض قالب این است که آقای بایدن برنده انتخابات می شود؛ بایدن و دموکرات ها چون برجام را کار خودشان تلقی می کردند رسما اعلام کردند که به برجام باز می گردند و این یک فرصت خیلی خوب است؛ اگر آمریکایی ها به برجام برگردند ایران نیز در قالب ۱+۵می تواند گفت و گوهایش را ادامه دهد.

رویکرد «ترامپ» نسبت به ایران حتما تغییر می‌کند

اما حتی اگر ترامپ هم برنده انتخابات شود، دیگر بعید است که با فرمان غلطی که در ۴ سال اولش با ایران برخورد کرد، برخورد کند. مشاوران ترامپ او را به اشتباه انداخته بودند که ایران از پا در می آید اما الان مشخص شده که ایران از پا در نمی آید، درست است که مردم سختی های زیادی کشیده اند اما هدف آنها یعنی فروپاشی در ایران اتفاق نیفتاد و نمی افتد هرچند مردم ایران در فشار و گرفتاری هستند به هر دلیل آن اتفاقی که آنها فکر می کنند نمی افتد چون این نظام مستحکم تر از آنچیزی است که آنها فکر می کنند. پس انتخابات آمریکا یک فرصت برای بازنگری در روابط خارجی کشور است.

یعنی شما می گویید که ترامپ در دوره جدید رویکرد خود را تغییر می دهد؟

حتما.

ترامپ بخاطر عصبانیت، ایران را تحریم می کند

اما او همین حالا هم مدام تحریم های جدیدی علیه ایران اعمال می کند.

برای اینکه می داند ایران علاقه مند است تا با او مذاکره نکند؛ همه این کارهای ترامپ از سر عصبانیت است و می خواهد آخرین فشارهایش را وارد کند تا اگر قرار شد مذاکراتی شروع شود از ایران امتیاز بگیرد و تنها هدفش همین است.

اما دومین موضوعی که بعد از برگزاری انتخابات آمریکا مورد توجه است، تشکیل دولت جدید ایران است. یعنی دو انتخابات با فاصله ۶ الی ۷ ماه در این دو کشور برگزار می شود و دولت ها در آمریکا و ایران تغییر می کنند. این فرصت خوبی است تا روابط خارجی ایران بازتعریف شود و ما می توانیم با شرایط جدید، روابط جدیدی را هم تعریف کنیم.

موضوع مورد توجه دیگر محوریت توسعه اقتصادی است، این موضوع باید در مجموعه نظام پذیرفته شود. در کشورهایی که این تجربه موفق را دارند اینطور بوده که یک سیاستی، سیاست محوری می شود و سایر سیاست ها در خدمت آن سیاست محوری قرار می گیرند. ما هم اگر اکنون بپذیریم توسعه اقتصادی ایران و حل مشکلات مردم اولویت کشور است، سیاست های منطقه ای، بین المللی و داخلی ما هم این سیاست را پشتیبانی می کنند.

ما امیدواریم با مجموعه دوستان اصلاح طلبمان بتوانیم به این توافق برسیم که مساله اصلی، مساله اقتصاد است. اگر بپذیریم که مساله اقتصاد و مساله حل مشکلات اقتصادی مردم اولویت کار است، می توانیم روی کاندیدهای متناسب با چنین ماموریتی به توافق برسیم.

رئیس‌جمهور موفق باید حمایت رهبری را داشته باشد

آقای مرعشی! آقای روحانی هم دقیقا با همین تعریف ها در سال های ۹۲ و ۹۶ کاندید شدند اما شرایط کشور به این سمت و سو رفته که اصلاح طلبان هم منتقد عملکرد او هستند. ضعف اصلی کجاست؟ واقعا تیم دیپلماسی و اقتصادی کشور ضعیف بوده و حالا گزینه های بهتری برای جایگزینی آنها و برای بهبود شرایط وجود دارد؟

اولین مساله ای که به آن توجه داریم و من همیشه روی آن تاکید می کنم و دولت اول آقای روحانی هم آن را تجربه کرد این است که رئیس جمهورموفق در این ساختار فعلی جمهوری اسلامی ایران، رئیس جمهوری است که بتواند قدرت رهبری را پشت سر دولت بیاورد. آقای روحانی در دور اول به حد زیادی موفق بود؛ برجام که مهمترین دستاورد دوره آقای روحانی است و آثار آن هم در دولت اول آقای روحانی آشکار شد، نتیجه ترکیب سه عنصر بود: اراده رئیس جمهور، به کارگیری بهترین دیپلمات های ایران و حمایت رهبری. کار به این مهمی بدون حمایت رهبری انجام نمی شد.

اما آقای روحانی این تجربه موفق دوران ریاست جمهوری خودش را در بقیه مسائل کشور ادامه نداد و از این موفقیت استفاده نکرد. شکاف بین رئیس جمهور و رهبری در ایران نه به نفع رهبری، نه به نفع رئیس جمهور و نه به نفع مردم است. بنابراین سیاست روشنی که ما به هرکسی که می خواهد رئیس جمهور آینده شود توصیه می کنیم این است که اگر نمی تواند در یک چهارچوبی حرکت کند که قدرت رهبری را پشت سر دولت بیاورد بهتر است که رئیس جمهور نشود تا مردم را معطل نکند.

رئیس‌جمهور باید درباره FATF با رهبری صحبت کند

مردم کشور دیگر طاقت و توان این کشمکش ها را ندارند که مثلا بالاخره این FATF خوب است یا بد است، اینکه FATF خوب است یا بد است باید بین رئیس جمهور و رهبری نهایی شود. اگر لازم نیست، چرا انقدر رئیس جمهور روی آن اصرار می کند و اگر لازم است چرا رهبری قانع نمی شود؟ این موضوع، اختلاف آقای روحانی با مجمع تشخیص نیست. ما طبق قانون اساسی یک مقامی به نام رهبری داریم که هماهنگ کننده قوای سه گانه است.

روحانی اگر نمی‌تواند کشور را اداره کند کنار برود اما ...

مردم دیگر به تنگ آمده اند، صبح که بیدار می شوند همه کالاهایی که دیروز خریده اند ۱۰ الی ۱۵ درصد گران تر شده ؛ این چه اداره ای است؟ یک جای کار اشکال دارد. اگر آقای روحانی نمی تواند کشور را اداره کند کنار برود و اگر می تواند ادامه دهد. با مردم و مصالح مردم و کشور نمی شود شوخی کرد. هرکسی که می خواهد وارد این میدان شود اگر می تواند با این مجموعه کار کند بیاید؛ زمانی که کاندیدها می خواهند رئیس جمهور شوند همه چیز خوب است و همه می گویند من این کار را می کنم و ... اما زمانی که رئیس جمهور می شوند می گویند که به ما اجازه انجام این کارها را نمی دهند (اما همه اینها از قبل مشخص بوده است)؛ ما ولایت فقیه، سپاه، شورای نگهبان، مجلس، قوه قضاییه و .. داریم و ترکیب آنها و شرایط شان کاملا مشخص است.

احمدی‌نژاد را چه کسی باید مهار می‌کرد؛ اصولگرایان یا اصلاح‌طلبان؟

به همین دلیل برخی معتقدند اگر یک اصولگرا رئیس‌جمهور شود بهتر است چون هماهنگی بیشتری با سایر نهادهای حاکمیتی کشور دارد.

نه، این تز هم جواب نمی دهد. مگر آقای احمدی نژاد در نهایت چه کار کرد؟ زمانی که آقای احمدی نژاد می خواست آقای مشایی را به عنوان معاون اول انتخاب کند، رهبری قاطعانه گفتند که او معاون اول نشود. من یکبار با یکی از بزرگان تماس گرفتم و گفتم آقای احمدی نژاد را یا ما باید مهار می کردیم که بخاطرش رفتیم زندان، یا خود اصولگرایان کنترل و مهارش می کردند. با این اوصاف تصور اینکه اصولگراها بیایند و حکومت یکپارچه شود تصورغلطی است؛ در انتخابات مجلس دوم هم خط امامی ها، آقایان بازرگان، سحابی و نهضت آزادی را حذف کردند و مجلس یکپارچه در اختیار حزب جمهوری اسلامی قرار گرفت، در مجلس دوم که حزب جمهوری اسلامی برنده ماجرا بود، دولت آقای مهندس موسوی منبعث از مجلس دوم بود، اما اتفاقی این مجلس هم تقسیم بر دو و تبدیل به راست و چپ امروز شد و هم در دولت آقای موسوی شکاف به وجود آمد و منجر به حذف آقای ناطق و آقای عسگرآبادی و آقای پرورش شد و همه راست ها حذف شدند. حزب جمهوری اسلامی هم به تعطیلی کشید.

قالیباف در مجلس یک فراکسیون ۴۰ نفره دارد و بس

بنابراین تصور اینکه اگر یک جناح بر کشور حاکم شود اختلاف نمی شود تصور درستی نیست چون بلافاصله تقسیم بر دو خواهند شد؛ الان ببینید همین مجلس که اصلاح طلبان در آن نیستند به چند گروه تقسیم شده؟ شما فکر می کنید الان آقای قالیباف در مجلس اکثریت را دارد؟ اکنون آقای قالیباف در مجلس حداکثر یک فراکسیون ۳۰ الی ۴۰ نفره دارد و این نیست که در نبود علی لاریجانی و در نبود آقای عارف یک مجلس یکپارچه ای به وجود آمده باشد.

کارگزاران حتما دولتی فراجناحی و فن‌گرا تشکیل می‌دهد

با این تفاسیر راه حل از نظر ما به عکس برخی تصورات، آمدن همه نیروها به صحنه است؛ نیاز آینده کشور این است که اقتصاد و توسعه اقتصادی سیاست محوری جمهوری اسلامی شود، دولت رئیس جمهور آینده چه اصولگرا و چه اصلاح طلب باید دولت فن گرا و دولت کار باشد. نیروهای فنی و اجرایی و دارای سوابق مدیریتی کشور در هیچ جناحی برای اداره کشور به تنهایی کفایت نمی کند؛ الان انقدر مردم و کشور در فشار هستند که ما نیاز داریم حتما یک دولت فراگیر فن گرا حاکم شود.

اگر هم قرار باشد ما در حزب کارگزارن یک دولت تشکیل دهیم به هیچ وجه دولتی حزبی و جناحی تشکیل نمی دهیم و حتما یک دولت فن گرایی تشکیل می دهیم و از بهترین متخصصان و با تجربه ترین مدیران کشور بهره می بریم و شرطی که برای آنها می گذاریم یکی توانایی آنها است که سرآمد باشند و دیگری پاک بودن؛ پاکی هم به لحاظ اخلاقی و هم از لحاظ مالی. کشور اکنون نیاز به جمعی از مدیران لایقی دارد که پای کار بایستند و با هماهنگی کامل با قوای دیگر و رهبری کار کنند.

مردم حوصله چه‌کنم چه‌کنم‌های رئیس‌جمهور را ندارند

مردم دیگر حوصله و ظرفیت تحمل چه کنم چه کنم های رئیس جمهور و خط و نشان کشیدن های قوه قضاییه برای دولت یا مجلس برای دولت را ندارند. یک دولت به معنای دولت حاکمیت (نه دولت قوه مجریه) باید شکل بگیرد؛ باید یک دولت نیرومند شکل بگیرد که پای کار کشور بایستد و حداقل روزی یک از مسائل مملکت را حل کند.

ما حتما می توانیم این کار را انجام دهیم، این مردم گناهی نکرده اند که به امام خمینی اعتماد کردند و شاه را از صحنه بیرون کردند، این مردم گناه نکردند که از عقیده ما حمایت کردند، این مردم گناه نکردند که به آقای روحانی رای دادند، این مردم گناه نکردند که در انتخابات شرکت کردند، آنها می خواستند مسائلشان حل شود؛ چه فرهنگی بر ما حاکم شده است که همه چیز مهم است غیر از مسائل واقعی کشور! همه چیز مهم است غیر از مسائل مردم!

ایران فدایی می خواهد نه سیاستمدار متکبر و تمامیت خواه

صبح تا شب یک مشت آدم خودبین، متکبر، خودخواه و جاه طلب شلوغ کنند که جایگاه من کم یا زیاد است و همه هم جای بزرگ می خواهند و این وسط فقط مردم قربانی می شوند. امروز ایران فدایی می خواهد نه سیاستمدار متکبر یا سیاستمدار تمامیت خواه! مردم امروز به تعدادی جوانمرد و فداکار نیاز دارد که به صحنه بیایند و مملکت را درست کنند. اینهمه فساد اقتصادی، فساد اداری، فساد اخلاقی، خودکشی، بیکاری، فرار تحصیل کرده ها و ... برای چیست؟

شما می دانید در دانشگاه ها حتی دانشجویان میانی (نه دانشجویان تاپ)، معدلی بالای ۱۹ دارند چون می خواهند معدل های خوب داشته باشند تا بتوانند پذیرش بگیرند و از ایران بروند؛ نمی شود که مملکت را با تعدادی آدم پخمه اداره کرد؛ مملکت به آدم های تحصیل کرده و با استعداد نیاز دارد. شما ببینید در این چند سال اخیر چقدر پول از کشور خارج شده تا عده ای بروند و پاسپورت ترکیه بگیرند؛ این بود نتیجه سند چشم انداز ۱۴۰۴ که ما قرار بود اقتصاد برتر در دنیا شویم؟

بیش از ۱۵ سال است که اقتصاد ایران روی ۴۵۰ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی درجا زده است. معلوم است زمانی که رشد اقتصادی نیست فرصتی برای یک جوان ایجاد نمی شود. اینها واقعیت های تلخ جامعه امروز است که باید حل شود. این مردمی که گفتند امام، گفتند جمهوری اسلامی و پشت رهبری ایستادند و به آقای هاشمی، آقای خاتمی و آقای روحانی رای دادند، انتظاراتی هم داشتند که برآورده نشده است.

هرکس نمی‌تواند با رهبری هماهنگ باشد کاندید انتخابات نشود

پس هرکسی نمی تواند با رهبری هماهنگ باشد، نمی تواند همانگی قوای سه گانه را رقم بزند و نمی تواند تکنوکرات ها و فن گراهای کشور را گرد هم آورد در انتخابات ریاست جمهوری شرکت نکند. شرایط امروز ایران بسیار شرایط سختی برای مردم شده است؛ هرکس که جوانمرد و فداکار است، می تواند با همه کار کند و همه را با هم همسو کند در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کند.

سیدمحمد خاتمی دلسوز کشور و واقع‌بین است

حزب کارگزاران سازندگی همیشه به حضور و مشارکت در انتخابات‌ها تاکید کرده، از طرفی آقای موسوی خوئینی‌ها هم در نامه‌ای مشارکت در انتخابات ۱۴۰۰ را مورد تاکید قرار داده است. مجموع این تحرکات اکنون چقدر مورد حمایت آقای خاتمی به عنوان لیدر جریان اصلاحات است؟

من فکر می کنم آقای خاتمی حقیقتا واقع بین و دلسوز کشور است. اساسا یکی از پارامترهای مهمی که در تعریف اصلاحات وجود داشته این بوده که اصلاحات هیچ وقت مردمش را تنها نگذاشته است، یعنی اصلاحات پشتیبان مردم و اصلاح طلبان حامی مردم بوده اند. اصلاح طلبان درد مردم را درک کرده اند و مردم هم به همین دلیل در مقاطعی پشتیبانی فوق العاده ای از اصلاح طلبان کردند.

امروز هم هیچ کارشناسی و جامعه شناسی و نخبه ای را نمی توانید پیدا کنید که این حرف را قبول نداشته باشد که موضوع امروز ایران اقتصاد است، هرچند ممکن است راجب به ریشه های آن بحث باشد. حتما بخشی از مشکلات مهم اقتصادی ایران ریشه در سیاست خارجی و تحریم های ظالمانه آمریکایی ها است اما حتما بخشی هم در ناکارآمدی نظام، ناهماهنگی ها و تقسیم کردن نیروها است، اینکه می گویند این اصلاح طلب است و این اصولگرا، این فتنه است، این ساکت فتنه است، این ۲ تابعیتی است و ...، این حرفها را دیگر نمی شود پذیرفت.

اگر مساله ایران اقتصاد است، ما چگونه می خواهیم بهترین کالاها و بهترین تکنولوژی هارا وارد کنیم، پس باید بهترین فکرهایمان را با هم به کار بگیریم؛ نمی شود که بگوییم فلانی یک روزی به من بد سلام کرده یا او در اردوگاه رقیب من بوده است یا این یکروزی یک توئیتی کرده است و ...، ما نباید با نیروهای مفید کشور چنین برخوردی کنیم؛ منابع انسانی کشور باید در خدمت توسعه قرار بگیرند. من تصور می کنم که اصلاح طلبان همچنان از ظرفیت همراهی با مردم و تشخیص درست اولویت های کشور برخوردارند، لذا حتی ذره ای تردید ندارم که اصلاح طلبان با همین فرمانی که خدمت شما عرض کردم حرکت خواهند کرد.

کارگزاران نقش لیدری اصلاح طلبان را ایفا نخواهد کرد

ممکن است حزب کارگزاران سازندگی در انتخابات ۱۴۰۰ به نوعی نقش لیدری داشته باشد؟

خیر. ما کوچک همه هستیم. نقش ما همیشه نقش کوچکی بوده و چه در سطح مسائل مربوط به کلیت نظام و چه در سطح آن چیزی که مربوط به اصلاح طلبان است ما کوچک همه هستیم و آنچه که تجربه کارگزاران است را در خدمت اصلاحات و کلیت نظام قرار خواهیم داد.

۲ مساله حل نشده اصلاح طلبان تا انتخابات ۱۴۰۰

پس آقای خاتمی پشتیبان مجموعه جدید انتخاباتی اصلاح طلبان خواهد بود؟

آقای خاتمی همیشه نقش آفرینی مثبت داشته اند. هرچند ما ۲ مساله اساسی حل نشده داریم. یکی بحث هماهنگی در مجموعه نظام است که در این بخش با یک سکته جدی مواجه هستیم، یعنی الان کانال های ارتباطی ما با مدیریت عالی نظام برقرار نیست.

آقای مرعشی شما این همیشه به این موضوع اشاره می کنید اما انگار حل نمی شود. باید چه کار کرد؟

بله. اما تا الان حل نشده است. این یک مساله خیلی مهمی برای ما است که داریم روی آن فکر می کنیم که چکار کنیم. اما مساله دوم شخصیت است؛ آن شخصیت محوری که می خواهد وسط آید و با این تعریفی که من کردم بیاید و جوانمردانه پای مسائل مملکت بایستد، از جمله موضوعاتی است که هنوز باید در مورد آن خیلی بررسی کنیم.

۶ کاندیدای بالقوه کارگزاران برای انتخابات ریاست جمهوری

اخیرا گفتید که حزب کارگزاران ۴ کاندید حزبی دارد. آنها چه کسانی هستند؟

کاندیدهای حزبی ما مشخص هستند، آقای جهانگیری، آقای محسن هاشمی، آقای همتی، آقای ملک زاده، آقای هاشمی طبا، آقای کرباسچی و ... مطرح هستند البته هنوز خودشان نپذیرفته اند.

نام آقای سورنا ستاری هم مطرح است، شما درباره حضور ایشان بحثی داشتید؟

آقای ستاری عضو حزب ما نیستند و من اطلاعی از وضعیت ایشان ندارم. اما ما در حزبمان حداقل ۵ الی ۶ نفر کاندید داریم البته هیچ اصراری روی گزینه ها نداریم و خود این افراد هم تا کنون نپذیرفته اند. ما اکنون فکر می کنیم که حتما باید در سطح بالای نظام رایزنی ها انجام شود و با این اصولی که من گفتم یک دولت کاملا قدرتمند هماهنگ کارآمد روی کار آورد که بتواند سیاست خارجی را حل کند، اقتصاد را در اولویت قرار دهد و روزی یک مساله در سطح کشور را حل کند.

آقای مرعشی! انتخابات شوراهای شهر و روستا هم در سال ۱۴۰۰ برگزار می شود اما هیچ کس درباره آن صحبت نمی کند! فکر می کنید با توجه به شرایطی که شوراها در این ۴ سال داشتند (مخصوصا در تهران)، اصلاح طلبان می توانند باز هم اقبالی داشته باشند؟

قطعا برای آن هم برنامه ریزی می کنیم اما هنوز بحثی درباره آن آغاز نکردیم.

اصولگرایان میانه‌رو مانند اصلاح‌طلبان حذف شدند/ آتش انقلابی‌ها خیلی تند است

فعالیت و تحرکات انتخاباتی اصولگرایان را چگونه می بینید؟ خودشان تاکید دارند که برگ برنده شان عملکرد مجلس یازدهم است؛ اکنون چند ماه از آغاز مجلس یازدهم می گذرد که حواشی زیادی هم داشته است، فکر می کنید آنها چه شرایطی می توانند داشته باشند؟

اصولگرایان هم‌اکنون به دو بخش کلی تقسیم شده اند: یکی اصولگرایان قدیمی هستند که ما به آنها اصولگرایان میانه رو می گوییم و نماینده آنها آقای ناطق نوری، باهنر، علی لاریجانی، حزب مؤتلفه اسلامی و .. است که آنها در جریان اصولگرایی مانند اصلاح طلبان حذف شده اند و دیگر جایگاهی بین اصولگرایان ندارند.

یک بخش هم اصولگرایان انقلابی هستند که همین دوستان جدیدی هستند که الان در مجلس مستقرند که آتش شان هم خیلی تند است و می خواهند کشور را سر خط انقلاب بیاورند.

نظر شما درباره اصولگرایان انقلابی و عملکرد مجلس یازدهم چیست؟

به هرحال مجلس منتخب مردم بود و مورد احترام همه ما است اما اشتباهی که همیشه در ایران اتفاق می افتد حذف تجربه ها است. اصولا مجلس باید مرکز تجمع بهترین تجربه های کشور باشد، در نظام هایی که ۲ مجلسی هستند معمولا مجلس سنا، ضعف های نمایندگان یا مجلس اولیه را جبران می کند حالا هم مهمترین مشکلی که الان در این مجلس بروز کرده این است که این مجلس حتی حامل تجربه های اصولگرایان هم نیست و مجلسی است که می خواهد خیلی از چیزها را از نو تجربه کند.

کشور به قوه مقننه دائمی نیاز ندارد

به طور کلی ما باید در آینده نه خیلی دور و در میان مدت به نقطه ای برسیم که کشور مجلس دائمی نمی خواهد و نمایندگی نباید شغل تلقی شود؛ هرچند وضع فعلی تفسیری است که فعلا شورای نگهبان از نمایندگی دارد اما در هیچ جای دنیا مجلس دائمی وجود ندارد که ۲۹۰ نفر دائم کنار هم بنشینند و در کار دولت دخالت کنند یا بخواهند قانون اضافی بنویسند.

نمایندگی یک سِمت از ناحیه مردم است و هرکسی باید سر کارِ خودش باشد، مثلا یکی استاندار و یکی معاون استاندار، یکی کارمند اداره برق و یکی معلم و .. بوده است، اینها همه باید سر کار خودشان باشند و ماهی یک تا ۳ بار اگر مصوبه ای لازم است به نمایندگی از ملت کنار هم جمع شوند و رای دهند و داشتن چیزی به نام قوه مقننه و داشتن یک مجلس دائمی هیچ سازگاری با اداره کارآمد کشور ندارد.

۲۹۰ نفر آدم می آیند، به مردم قول می دهند و نمی توانند به هیچ کدام از قول هایشان هم عمل کنند چون قول هایی داده اند که اصلا ربطی به مجلس ندارد. مثلا یک استاندار یا یک وزیر باید این کارها را می کرده، و آنها از طرف دیگران یکسری قول ها بدون توجه به امکانات داده اند و حالا می خواهند این کارها را محقق کنند و عده ای دوست و رفیق دارند که می خواهند آنها را در سیستم جا دهند(همیشه اینطور بوده است و این مختص مجلس یازدهم نیست).

صبح تا شب باید از وزیر سؤال کنند و با وزیر توافق کنند که یکنفر را مثلا در اداره راه بگذارند که تهدید به استیضاح کنند تا جاده ای برایشان آسفالت شود و این کاری است که الان متاسفانه در کشور ما رایج شده است. ما در میان مدت باید به این جمع بندی در مجموعه نظام برسیم که کشور به مجلس دائمی نیاز ندارد و نمایندگان باید گاهی متناسب با نیازهای کشور جمع شوند و از طرف ملت قانونی را تصویب کنند.

اکنون ۲۹۰ نفر را به تهران می آوریم، اینها می خواهند خانه اجاره کنند و پولی برای رهن کردن ندارند، زمانی که به او پول می دهند می گویند فلان نماینده انقدر پول گرفته و دائم از این حرف های مسخره بازی مطرح می شود؛ نماینده ای که قبلا کارمند، استاد دانشگاه، معلم و ... بوده سرجایش بماند و خانه و زندگیش را داشته باشد و هر از گاهی در مجلس دور هم جمع شوند و در پارلمانی که تشکیل شده یک قانونی را تصویب کنند و دوباره به خانه هایشان بازگردند. از طرفی کشور به اینهمه قانون نیاز ندارد و در اجرا باید مسائلش حل و فصل شود. اما در کوتاه مدت انتقادی که به مجلس یازدهم می شود این است که این مجلس تجربه اصولگرایان را هم با خودش حمل نمی کند.

عملکرد مجلس یازدهم در اقبال مردم به اصولگرایان در انتخابات ۱۴۰۰ چقدر تاثیر می گذارد؟

به نظر من جایگاه اصولگرایان را تضعیف می کند و این مجلس به اصولگرایان هزینه اضافه می کند؛ همچنین هزینه نهاد رهبری را هم افزایش می دهد چون نهاد رهبری مجبور می شود به طور منظم به آنها گوشزد کند که چه کاری کنند و چه کاری نکنند؛ چون با این فرمانی که آنها جلو می رفتند الان باید کار آقای روحانی را تمام کرده باشند، اینها الان احساس می کنند که خیلی دستشان بسته است و نتوانسته اند کارهایی که می خواستند را انجام دهند چون در نهایت مصالح کشور را رهبری تشخیص می دهند نه اینها!

مردم احساس کنند تغییری در راه است در انتخابات شرکت می‌کنند

مشارکت مردم در انتخابات مجلس یازدهم بسیار کم بود، فکر می کنید اکنون و با توجه به مجموع شرایط امکان افزایش مشارکت در انتخابات ۱۴۰۰ وجود دارد؟

بستگی دارد که انتخابات رقابتی شود یا خیر؛ چون اگر رقابت نباشد جناح ها هم تلاش نمی کنند هوادارانشان را به انتخابات بیاورند و انتخابات کمرنگ می شود. همچنین بستگی دارد که جناح ها کاندیدا داشته باشند یا خیر.

واقعیت این است که مردم باید احساس کنند یک تغییری به نفعشان در راه است، اگر مردم این احساس را نداشته باشند نمی آیند، منظور من این نیست که هیچ کسی نمی آید بلکه منظورم این است که اکثریت نمی آیند. اکثریت مردم باید احساس کنند که یک تغییر مثبتی نه از نوع شعار گونه بلکه از نوع واقع گرایانه در راه است؛ اگر این تغییر را ببینند در انتخابات شرکت می کنند و این کار هنوز شدنی است.

به لحاظ بین المللی و داخلی هم شرایط ایران به گونه ای است که یک انتخابات پر شور و گرم می تواند خیلی از مشکلات ایران را حل کند. همیشه زمانی که جامعه خسته می شود و بن بست احساس می شود با یک انتخابات می شود آن بن بست را شکست.

هیچ اصلاح طلبی برای انتخابات ۱۴۰۰ تصمیم شخصی نگیرد

آقای عارف گفته اند که اگر لازم باشد من هم می آیم. نظر شما در این باره چیست؟

من هم به آقای عارف و هم به آقای جهانگیری و هم به آقای محسن هاشمی و به همه دوستان اصلاح طلب توصیه می کنم که هیچ تصمیم شخصی و یا حزبی نگیرند؛ همه تصمیمات باید تصمیمات جبهه ای باشد. اگر جبهه اصلاحات از هرکدام از این دوستان بخواهد که به ماموریت روند که در صحنه حاضر شوند، باید بیایند و اگر جبهه اصلاحات ماموریتی ندهد توصیه من این است که نیایند.

احتمال ائتلاف با اصولگرایان میانه‌رو منتفی نیست اما ...

ائتلاف اصلاح طلبان با اصولگرایان میانه رو همچنان گزینه روی میز اصلاح طلبان هست؟

ترجیح اکثریت اصلاح طلبان بر اساس تجربه گذشته این است که کاندیداهای خودشان را داشته باشند.

پس احتمال آن منتفی نیست؟

احتمال هر نوع ائتلافی هیچ وقت منتفی نیست چون این کار یک پدیده پویا است و یک پدیده ایستا نیست، چون شرایط تغییر می کند و در شرایط متغیر ممکن است تصمیمات متفاوت شوند.

اقتصاد کیش روزنامه
پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش
گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش
۴۴۴۲۴۹۶۹
۴۴۴۲۴۹۹۹